

تغییر نگاه مشتریان پارچه‌فروشی‌های تهران که جنس متفاوت می‌خواهند

پارچه‌های دمده و لباس‌های مدرن

واردات نساجی کشور در ۴ ماه نخست سال ۹۶، رشد ۴۵ درصدی داشته است

سال‌های قبل ایده‌های لباس، شخصی‌تر و کمتر تحت تاثیر لباس افراد مشهور بود



عکس سعید غلامسعدی / شهرود

این که لباس کاملا مظهر جایگاه اجتماعی افراد باشد، شخصیت فرد را به نمایش می‌گذارد. کمتر موردی را می‌توان یافت که افراد در یک گروه اجتماعی یا قومی از لباسی متحدالشکل تبعیت کنند یا از هرگونه تغییر در آن بترسند. اگر چنین چیزی مشاهده شود یا نادر است، مانند نحوه لباس پوشیدن گروه آمی‌های آمریکایی و کانادایی (یک گروه مسیحی گریزان از شیوه‌های مدرن زندگی) یا ماشین‌های نیروی برق استفاده نمی‌کنند (amish)، یا معنای دیگر برای آن باید جست‌وجو کرد. با تغییر رابطه جایگاه اجتماعی و نحوه پوشیدن لباس، در حقیقت لباس پوشیدن سبک زندگی «فردی» را نشان می‌دهد که از هرگونه تغییری در آن نه‌تنها نمی‌هراسد بلکه از آن لذت می‌برد، به‌ویژه در میان جوانان.

کاهش تعرفه، افزایش واردات
آمار گمرک ایران، کل واردات نساجی کشور با احتساب ماشین‌آلات و رنگ را در چهار ماه نخست سال ۱۳۹۶ برابر با ۷۱۸/۵ میلیون دلار اعلام کرد که رشدی ۴۵ درصدی داشت. واردات صنایع نساجی کشور بدون احتساب رنگ و ماشین‌آلات هم در این مدت به رقم ۷۱۱/۵ میلیون دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۱۰ درصد رشد داشته است.

همچنین واردات انواع پارچه حدود ۱۳۳/۵ میلیون دلار بوده که در مقایسه با واردات سایر محصولات نساجی در رتبه نخست قرار گرفته است. پس از آن واردات الیاف به ارزش ۱۱۲/۴ میلیون دلار در رتبه بعدی قرار دارد. واردات پارچه و الیاف نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ترتیب رشد ۱۰ و ۳۱ درصدی داشته است. واردات نخ به ارزش ۱۰۲/۶ میلیون دلار پس از پارچه و الیاف بیشترین واردات را در میان محصولات نساجی داشته است و مقدار آن نسبت به چهارماهه نخست سال ۹۵ رشد ۶۱ درصدی را نشان می‌دهد.

افزایش میزان واردات پارچه در سال ۹۶ در حالی اتفاق افتاد که تعرفه واردات پارچه و پوشاک در سال ۹۵ کاهش یافت. «کاهش ۲۰ درصدی تعرفه واردات پوشاک از ۷۵ درصد به ۵۵ درصد به صورت هم‌زمان با کاهش شصت‌درصدی تعرفه واردات پارچه از ۴۰ درصد به ۲۳ درصد در دستور کار قرار گرفت تا بدین منظور حمایت از بخش تولید،

گاندی پایین می‌کشد به پارچه‌های پست و یترین اشاره می‌کند. «اینها را ببینید. هیچ کدام داخلی نیستند. ما فقط چند توب پارچه داخلی داریم. او می‌گوید اگر بخوایم به این سوال که سلیقه مردم در انتخاب پارچه چیست جواب دهم باید بگویم آنها پارچه ارزان و بی‌کیفیت می‌خواهند. «هیچ چیز مثل سال‌های قبل نیست. پادم می‌آید ۱۵ سال پیش در همین مغازه مشتریانی داشتم که جنس اعلامی می‌خواستند. حالا می‌گویند جنس ارزان بده اگر خراب شد هم ایرادی ندارد. سال بعد می‌آیم با هم چند متر پارچه ارزان می‌خریم.» آقای بابکی مرد میانسال مغازه‌بغلی به بحثمان وارد می‌شود و می‌گوید تجربه او چیز دیگری است و اغلب مشتریانش جنس خوب با قیمت بالاتر می‌برند. «این موارد سلیقه‌ای است و البته به جیب مشتری ربط دارد.» بحثشان بالا می‌گیرد.

چندی پیش علی‌اصغر سعیدی، استاد جامعه‌شناسی در یادداشتی درباره لباس نوشت که در سال‌های نخست قرن گذشته اگر به لباس مردم با دقت نگاه می‌کردید، می‌توانستید جایگاه اجتماعی آنها را دریابید. در کشورهای صنعتی غرب این مسأله به‌حدی رسد که واژه یقه‌سفیدان و یقه‌آبی‌ها که اینک واژه‌های کاربردی در مدیریت هستند، معنای اجتماعی لباس می‌داشتند. تمایز منزلت اجتماعی افراد از نوع لباسی که می‌پوشیدند، مشخص بود و مردم نه‌تنها به این مسأله می‌بالیدند بلکه چاره‌ای هم جز این نداشتند. در غیر این صورت از گروه و قومی که به آن تعلق داشتند، طرد می‌شدند.

است که روزانه بارها و بارها می‌بینند. «سال‌های قبل این‌طور نبود. ایده‌های لباس شخصی‌تر بود. نه آن که از مجلات مد استفاده نشود، اما شدتش مثل حالا نبود.» این حرف را به‌نواز هم تصدیق می‌کند. او سال‌هاست شغلش ساختن است و یکی از عجیب‌ترین لباس‌هایی که اخیرا دوخته مشتری‌اش هرچه در بازار پارچه گشته نتوانسته پارچه موجود در عکس را پیدا کند. «پارچه به نظرم آشنا بود و انگار آن را جایی دیده بودم. چند روزی ذهنم را به خودش مشغول کرد تا فهمیدم آن پارچه را در پرده‌فروشی دیدم. «پارچه را از روی پرده‌فروشی خرید و لباس را تحویل داد. او می‌گوید مدت‌هاست ترجیح می‌دهد خودش برای مشتریانش پارچه بخرد، چرا که اغلب آنها پارچه‌های نامناسب می‌خرند و توجهی به جنس پارچه ندارند. مریم هم خیاط دیگری است که لباس‌های می‌دوزد. او هم می‌گوید قدیم‌ها برای لباس‌های مجلسی چندین متر گیپور می‌آوردند اما حالا بیشتر از چند سانت گیپور نمی‌خرند و اغلب لباس‌های مجلسی که اخیرا دوخته ساتن یا حریر بوده است.

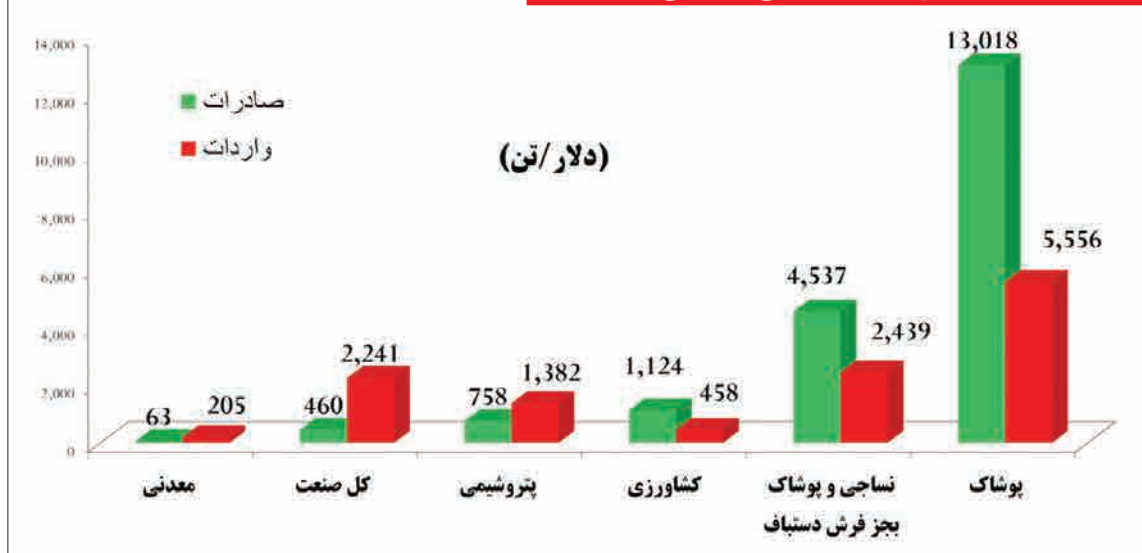
وضعیت در بازار پارچه‌فروشی‌ها هم همین است. عظیمی همان‌طور که کرکره مغازه‌اش را در

است که روزانه بارها و بارها می‌بینند. «سال‌های قبل این‌طور نبود. ایده‌های لباس شخصی‌تر بود. نه آن که از مجلات مد استفاده نشود، اما شدتش مثل حالا نبود.» این حرف را به‌نواز هم تصدیق می‌کند. او سال‌هاست شغلش ساختن است و یکی از عجیب‌ترین لباس‌هایی که اخیرا دوخته مشتری‌اش هرچه در بازار پارچه گشته نتوانسته پارچه موجود در عکس را پیدا کند. «پارچه به نظرم آشنا بود و انگار آن را جایی دیده بودم. چند روزی ذهنم را به خودش مشغول کرد تا فهمیدم آن پارچه را در پرده‌فروشی دیدم. «پارچه را از روی پرده‌فروشی خرید و لباس را تحویل داد. او می‌گوید مدت‌هاست ترجیح می‌دهد خودش برای مشتریانش پارچه بخرد، چرا که اغلب آنها پارچه‌های نامناسب می‌خرند و توجهی به جنس پارچه ندارند. مریم هم خیاط دیگری است که لباس‌های می‌دوزد. او هم می‌گوید قدیم‌ها برای لباس‌های مجلسی چندین متر گیپور می‌آوردند اما حالا بیشتر از چند سانت گیپور نمی‌خرند و اغلب لباس‌های مجلسی که اخیرا دوخته ساتن یا حریر بوده است.

وضعیت در بازار پارچه‌فروشی‌ها هم همین است. عظیمی همان‌طور که کرکره مغازه‌اش را در

گروه گزارش | پارچه شنی را نخستین بار به سفارش یکی از مشتری‌ها آورد. پارچه‌ای که بعد از دوخت وقتی فرد راه می‌رفت از پشتش شن می‌ریخت. آن پارچه عجیب‌ترین پارچه‌ای است که میرافضلی تا به حال دیده، هر چند بعد از آن باز هم پارچه‌های متفاوت زیادی را دید و بسیاری از پارچه‌فروشان بازار تهران مانند او پارچه‌ها و درخواست‌های عجیب در سال‌های اخیر کم نداشته‌اند. «پارچه شنی در حدود متری صد هزار تومان بود. خیلی گران نیست.» آنها مدت‌هاست دیگر نه از پارچه‌های چوبی و نه حتی پارچه‌هایی که در آنها فلز به کار رفته تعجب نمی‌کنند و حتی درخواست پارچه‌های عجیب را با روی گشاده می‌پذیرند و پارچه مورد نظر را سفارش می‌دهند. اغلب پارچه‌ها از چین، کمره، هند، پاکستان و بعضی کشورهای اروپایی وارد می‌شود و پارچه‌های ایرانی که در مغازه‌ها پیکان پیدا می‌شود، کم است. «پارچه‌های تولید ایران اغلب برای بلوز مردانه یا ملافه کاربرد دارند.» میرافضلی می‌گوید در طول ۲۰ سال کار در پارچه‌فروشی هرگز وضع سلیقه مردم مثل سال‌های اخیر نبوده. «مردم الان سلیقه ندارند.» یعنی با عکس بازیگر یا مدل به مغازه می‌آیند و می‌خواهند لباسی مانند او داشته باشند و سلیقه آنها عکس‌ها و تصاویری

مقایسه قیمت یک تن کالای صادراتی و وارداتی (۱۳۹۳)



ساکنان فلات ایران، نخستین مبدع پارچه‌بافی

پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بافندگی از نخستین حرفه‌های صنعتی و حتی از سفالگری قدیمی‌تر است و ساکنان فلات ایران در زمره نخستین ابداع‌کنندگان این فن بوده‌اند. یافته‌های باستان‌شناسی تپه سراب و غاز کمربند نشان داده که در فاصله ۶ هزار تا ۷ هزار قبل از میلاد، پشم از نخستین الیاف مورد استفاده در پارچه‌بافی بوده است. از سده سوم تا اوایل سده هفتم میلادی، بافندگی ایران دارای اعتبار و منسوجات ابریشمی آن به دلیل داشتن نقش‌های پرشکوه و رنگ‌های شفاف ممتاز بود. کشف پارچه‌های ابریشمی و پشمی ایران در ترکستان چین، ژاپن، قفقاز، فرانسه، سوریه، مصر و ایتالیا این امر را ثابت می‌کند.

یافته‌های پارچه‌های طرح‌دار با نقوش هندسی و گیاهی نیازمند دستگاه‌های بافندگی کارآمد بود. کمبود منابع تصویری و نوشتاری امکان قضاوت درباره کم و کیف دستگاه‌های بافندگی دوره اشکانی و ساسانی را دشوار می‌ساخت. با این همه وجود پارچه‌هایی با طرح‌های گیاهی، جانوری و هندسی که از دوره ساسانی خاصه از پایان این دوره باقی مانده است، وجود دستگاه‌های بافندگی تکامل یافته‌تری را نسبت به چین تأیید می‌کند. در دوره اسلامی هم دوک نخ، چرخ نخ‌ریسی و دستگاه بافندگی مهمترین ابزارهای بافت بودند. مسکویه احتمالاً به چرخ نخ‌ریسی در یکی از شهرهای عصر آل بویه اشاره دارد که نشان‌دهنده کارایی بالای این دستگاه است. این دستگاه در دوره اسلامی هم با پیشرفت‌های فنی همراه بود؛ از جمله تکامل رکاب‌های مخصوص بالا و پایین‌بردن متناوب تارها یا حرکت پا که توانایی‌های بافنده را به مقدار زیاد افزایش می‌داد. در واقع پارچه‌بافی پیشرفته‌ترین صنعت ایران و دنیای اسلام بوده است که به‌تدریج بسیار گسترده شد و حجم تولیدشمار شافل آن افزایش یافت.

در دوره قاجار تغییراتی در شیوه طرح و نقش‌ها به وجود آمد. به‌تدریج طرح‌های چهره و پیکره آدم‌ها منسوخ و به جای آن نقش گل‌های سرخ تمام‌شکفته با پرندگان و اهواز پارچه‌بافی نقش گل و بلبل ظاهر شد.

کارخانه‌های پارچه‌بافی

با شروع حکومت پهلوی اول و در فاصله سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۳۳.ش نخستین کارخانه‌های تولید نخ و پارچه مورد توجه خاص دولت قرار گرفت و قوانینی در حمایت از این صنعت تصویب شد. به این ترتیب کارخانه‌های وطن، بسیاری تأسیس شد. از جمله کارخانه‌های وطن، نساجی شاهی، اقبال بزد، چیت‌سازی بهشهر، نخبان اصفهان و چیت ری.

در طول حکومت پهلوی اول و دوم کارگاه‌های سنتی در مناطق شهری، روستایی و ایلاتی با همان روش‌های گذشته فعال بودند و همچنین در سال ۱۳۱۵ دولت «هنرستان اصفهان» را برای احیای طرح‌ها و نقش‌های سنتی تأسیس کرد. این هنرستان با تربیت هنرمندان مختلف تا حدودی سبب احیای پارچه‌بافی سنتی شد. در سال ۱۳۰۴ نخستین کارخانه نساجی اصفهان با نام «وطن» آغاز به کار کرد و ۱۰ سال بعد دومین کارخانه با نام «ریسایف» تأسیس شد. به دنبال آن چندین کارخانه دیگر مانند «شهرضا»، «آینده‌رود»، «پشم‌باف»، «صنایع پشم»، «رحیم‌زاده»، «نخبان» در نقاط مختلف شهر راه‌اندازی شد. گفته می‌شود این کارخانه‌ها همگی در قالب شرکت سهامی اداره می‌شدند و مردم شهر با خرید سهام در سود آنها شریک

عکاس این عکس مرحوم «بولاق‌مس جلا» عکاس اصفهانی است و عکس مربوط به سال ۱۳۱۹ است که یکی از ماشین‌آلات خریداری‌شده برای کارخانجات نساجی اصفهان را نشان می‌دهد که با کامیون به اصفهان آورده شده است

